

بررسی تأثیر نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر برخی از متغیرهای جامعه‌شناختی (مورد مطالعه: شهر اهواز)

دکتر عبدالرضا نواح^۱، عزیز حزباوی^۲ و علی موسوی‌نسب^۳

تاریخ وصول: ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۷

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر برخی از متغیرهای جامعه‌شناختی (مورد مطالعه: شهر اهواز) صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش کلیه‌ی شهروندان شهر اهواز بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ می‌باشد. نمونه‌ی این پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. روش پژوهشی در این مقاله پیمایشی است و از ابزار پرسشنامه بر اساس گویه‌های پنج‌گزینه‌ای مبتنی بر طیف لیکرت برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است، که آلفای کرونباخ در پرسشنامه‌های متغیرها بالای ۰/۷ ارزیابی گردید. همچنین اعتبار ابزار سنجش بر اساس نظرات اساتید و متخصصین تأیید شد. برای تحلیل نتایج داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میان نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور با متغیرهای تمایل به مهاجرت و محرومیت اجتماعی رابطه‌ی معنادار مستقیم و میان نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور با رضایت از زندگی رابطه‌ی معنادار معکوس دیده می‌شود.

مفاهیم کلیدی: نگرش زیست‌محیطی، ریزگردمحور، تمایل به مهاجرت، رضایت از زندگی، محرومیت اجتماعی

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده‌ی مسئول) dr.navah@yahoo.com

^۲ مربی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز ahazbavi@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز alimousavinasab@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

محیط متشکل از هر آن چیزی است که در آن قرار دارد که طبیعتاً انسان و کلیه‌ی متعلقات و وابسته‌های وی نیز جزئی از محیط می‌باشد. سازمان ملل از محیط زیست بدین‌گونه تعریف می‌کند: «انسان مخلوق و شکل‌دهنده‌ی محیط زیست خود است، محیطی که به وی بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) اعطا کند. سازمان یونسکو، محیط زیست را محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه‌ی حیات در آن استمرار دارد می‌داند. در قوانین ایران محیط زیست این‌گونه تعریف شده است "فضایی با تمامی شرایط فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه‌ی موجودات زیست‌کننده در آن را شامل می‌شود و مجموعه روابط آنها را در بر می‌گیرد"» (به نقل از مقدم و همکاران، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست، ۱۳۹۱).

همچنین آلودگی را انتشار آلاینده‌های بالقوه‌ی زبان‌آور در محیط زیست تعریف کرده‌اند. ساتن^۱ در کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست»، انواع آلودگی‌ها را در سه دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی کرده است: آلودگی‌هایی که در هوا تأثیر می‌گذارند؛ «مانند دود کارخانه‌ها، گازها و مه‌دود بدنام در انگلستان و ایالات متحده». آلودگی‌های تأثیرگذار در آب «مانند نشتی‌های نفتی در اقیانوس‌ها و ...» و آلودگی‌هایی که در روی زمین تأثیر می‌گذارند «مانند افزایش زباله‌های خانگی» (ساتن، ۱۳۹۲: ۱۳۱-۱۳۰). ریزگردها یا همان پدیده‌ی گردوغبار را می‌توان از نوع آلودگی‌هایی که در هوا تأثیرگذار است به حساب آورد. «طوفان گرد و غبار پدیده‌ای است که در مناطق خشک و نیمه خشک و در نتیجه‌ی سرعت زیاد باد و تلاطم آن بر روی سطح خاک بدون پوشش و مستعد فرسایش به وجود می‌آید. این پدیده اغلب باعث کاهش میدان دید به کمتر از یک کیلومتر شده و در شدیدترین حالت غلظت ذرات معلق می‌تواند حتی به بیش از ۶۰۰۰ میلی‌گرم در هر متر مکعب هوا برسد. وقتی طوفان گرد و غبار به وقوع می‌پیوندد، ذرات معلق قادرند تا فواصلی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر طی مسیر کرده و در سطح زمین فرود آیند. منشأ طوفان‌های گرد و غبار بیشتر شامل مناطقی است که اقلیم آن‌ها بسیار خشک بوده و میانگین بارندگی سالیانه کمتر از ۱۰۰۰ میلیمتر است» (عسکری و فرهادی، ۱۳۹۴). در واقع اصطلاح «ریزگرد» به وجود عناصری چون سیلیس، کربن، پتاسیم و فلزات قلیایی خاکی که در گرد

^۱ Sutton

و غبار مشاهده می‌شود اشاره دارد. ترکیب فیزیکی و تجزیه‌ی شیمیایی گرد و غبار در خوزستان و سایر استان‌های کشور نشان می‌دهد که این گرد و غبارها صرفاً متشکل از دانه‌های شن نیستند، بلکه عناصر پیچیده‌ای از مواد شیمیایی هستند (رئیس‌پور و همکاران، ۱۳۸۹).

کشور ایران به دلیل واقع شدن در کمربند خشک و نیمه خشک جهانی و همجواری با بیابان‌های وسیعی از کشورهای همسایه مکرراً تحت تأثیر سیستم‌های گرد و غبار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار می‌گیرد. پدیده‌ی گرد و غبار با پیامدهای زیست‌محیطی و انسانی فراوانی همراه است. به عبارت دیگر، تأثیر تغییرات محیط زیست خواسته یا ناخواسته بر اجتماع بشری اجتناب‌ناپذیر است. در این میان عواملی از قبیل: «وقوع خشکسالی‌های اخیر و نقش برخی از عوامل انسانی مانند مدیریت نابخردانه در خشکاندن تالاب‌های منطقه از جمله تالاب هورالهوریزه و هورالعظیم و ... بر شدت و وسعت پدیده‌ی گرد و غبار بر ایران افزوده است» (همان).

فلذا با توجه به محوریت ارزیابی و بررسی پیامدهای اجتماعی ریزگردها بهتر است تعریفی از این مفهوم ارائه شود، «ارزیابی پیامد اجتماعی (پیش‌بینی، برآورد و بازاندیشی) مدیریت عواقب خواسته و ناخواسته مداخلات برنامه‌ریزی شده برای محیط انسانی و هر گونه فرآیند تغییر ناشی از این مداخلات است». توجه به این تأثیرات در کنترل و بهبود شرایط زیست بشر نقش مهمی دارد. پیامدهای اجتماعی تغییرات زیست‌محیطی در بخش‌های فراوانی از جمله، سلامت، اشتغال، گردشگری قابل بررسی است (کناری و صالحی، ۱۳۹۳). از دیگر پیامدهای اجتماعی ریزگردها می‌توان به تشدید روند مهاجرت از مناطق در معرض گرد و غبار بویژه در اقشار متخصص و نخبگان، بیکاری و یا کاهش درآمد در مشاغل مختلف شهری و روستایی، خسارت و یا کاهش درآمد در بخش کشاورزی، صنعت توریسم و گردشگری، امنیت پرواز (حمل و نقل هوایی)، آثار اقتصادی و اجتماعی ناشی از محدودیت‌ها و شرایط حاصل از گرد و غبار (کاهش کارایی فردی و اجتماعی، تعطیلی مراکز آموزشی و تفریحی، لغو و یا محدودیت امکانات سفرهای هوایی اشاره کرد (فولادیان و آماده شهن‌آبادی، ۱۳۹۴).

هم‌چنین به نظر می‌رسد وضعیت محیط زیست بر رضایت از زندگی افراد مؤثر باشد. این در حالی است که اندازه‌گیری میزان رضایت از محل زندگی پیچیده است و به عوامل بسیاری بستگی دارد. ادبیات مربوط به میزان رضایت از محیط سکونتی مشخص می‌دارد که درک میزان رضایت از سوی هر شخص و در شرایط مختلف شخصی، اجتماعی،

اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی متفاوت می‌باشد. رضایت از زندگی اصطلاحی چند مفهومی است، به عقیده‌ی بسیاری از محققان این مفهوم شامل دو بعد اصلی عینی و ذهنی است. شاخص‌های عینی، محیط زندگی و کار را تشریح می‌کنند، شاخص‌های ذهنی راه‌هایی که مردم شرایط اطرافشان را درک و ارزیابی می‌کنند، تشریح می‌نمایند. به‌طور کل شاخص‌های ذهنی برای اندازه‌گیری رفاه شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرند، در حالی که شاخص‌های عینی برای مقایسه‌ی شهرها و مکان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. بر اساس شاخص‌های ذهنی، رفاه شخصی به رضایت‌مندی برمی‌گردد، در حالی که بر اساس شاخص‌های عینی به مقایسه‌ی کیفیت زندگی شهری رجوع می‌کند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰-۵۳)؛ بنابراین به نظر می‌رسد وضعیت آلودگی هوا و گرد و غبار اهواز بر میزان رضایت افراد از کیفیت زندگی خود مؤثر باشد.

هم‌چنین بررسی مسائل جمعیتی در یک واحد جغرافیایی مانند یک شهرستان دارای اهمیت فراوانی می‌باشد، چرا که مسائل جمعیتی نقش مؤثری در برنامه‌ریزی یک منطقه دارد. فلذا توجه به سیر تکامل جمعیتی (ساختار سنی، جنسی، سواد و ...)، افزایش یا کاهش جمعیت، چگونگی نقش رشد طبیعی و مهاجرت‌های جمعیتی و بالاخره پیش‌بینی آینده‌ی جمعیت، اهمیت می‌یابد. در این میان عامل مهاجرت یکی از اصلی‌ترین عوامل کاهش رشد جمعیت محسوب می‌گردد (تقوایی و شفیع، ۱۳۹۰). هم‌چنین برخی از تحقیقات نشان داده است، اثرات آلاینده‌های منواکسید کربن، دی‌اکسید کربن و ذرات معلق (ریزگردها) بیشترین تأثیر را بر تولیدمثل، بارداری و نوزاد دارند. هم‌چنین محققان معتقدند مقدار بالای آلودگی هوا در تعیین جنسیت فرزندان پسر مؤثر است و باعث کاهش آن می‌شود (میراجاق، ۱۳۸۴)؛ بنابراین به نظر می‌رسد مهاجرت و سایر فاکتورهای جمعیتی به صورت نسبی متأثر از وضعیت آب و هوای یک منطقه می‌باشد. با عنایت به اینکه بر اساس سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ خوزستان یکی از مهاجر فرست‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شده است (طیفوری و همکاران، ۱۳۹۲)، در نظر گرفتن مهاجرت تحت عنوان پیامدهای آلودگی هوا و بالاخص ریزگردها در خوزستان ضروری می‌نماید.

هدف کلی این پژوهش بررسی تأثیر نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر برخی از متغیرهای جامعه‌شناختی می‌باشد. متغیرهای منتخب این پژوهش عبارتند از: تمایل به مهاجرت، احساس رضایت از زندگی و محرومیت اجتماعی.

چهارچوب نظری پژوهش

بر اساس سوابق و پیشینه‌ی پژوهش و هم‌چنین به دلیل اینکه چهارچوب کاملی برای بررسی این موضوع وجود ندارد، سعی شده است از نظریاتی که رابطه‌ی میان نگرش و رفتار محیط زیستی را تبیین می‌کنند (مدل‌های رفتارگرایانه‌ی زیست‌محیطی) و هم‌چنین نظریاتی که به چگونگی برجسته شدن برخی موضوعات نسبت به برخی دیگر در میان افراد می‌پردازند (برساخت اجتماعی ریسک زیست‌محیطی) استفاده شود. به عبارت دیگر می‌توان بیان داشت نوع نگرش به ریزگردها و برساخت افراد از این موضوع (این‌که چگونه برخی مسائل برای افراد برجسته‌تر می‌شوند) در شکل‌گیری این پیامدها و تمایل افراد به آن‌ها مؤثر می‌باشد. در زیر به نحوه‌ی ارتباط و چگونگی استفاده از برخی نظریات مطرح شده در پژوهش حاضر پرداخته شده است.

برساخت اجتماعی ریسک زیست‌محیطی

افراد جامعه‌ی معاصر در مقابل اخباری که از رسانه‌ها می‌شنوند، مطالبی که در روزنامه‌ها و منابع علمی به ظاهر معتبر معالعه می‌کنند و مطالبی از این سنخ که به نوعی بر دل‌مشغولی‌های موجود در ارتباط با سلامت و امنیت دامن می‌زنند، همه و همه باعث می‌شوند که افراد جوامع معاصر در فرآیندهای ارزیابی و درک ریسک گرفتار شوند. این مسئله (درک و ارزیابی ریسک) فقط در مورد نوع غذا و انتخاب سبک‌های زندگی نیست، بلکه در مورد محیط طبیعی و مخاطرات فناوری نیز صدق می‌کند. تا چندی پیش تقریباً باور همگی بر این بود که ارزیابی خطر یک فعالیت مهندسی و فنی محسوب می‌شود که منحصرأ در حوزه‌ی کار مهندسان، دانشمندان و کارشناسان از طریق شواهد علمی و در نظر گرفتن احتمال صورت می‌گیرد. تا این‌که یک مردم‌شناس اجتماعی اهل بریتانیا (ماری داگلاس^۱) و یک اندیشمند سیاسی آمریکایی (آرون ویلداوسکی^۲) با طرح نظریاتشان چالشی اساسی بر این رویکرد به ادراک ریسک مطرح نمودند. به نظر آن‌ها اینکه مردم بر

^۱ Mary Douglas

^۲ Aron Wildavsky

مخاطرات خاصی تکیه می‌کنند و یا بسیاری از مردم آلودگی را نگران‌کننده می‌دانند، نیازمند یک پاسخی دیگر می‌باشد، که آن‌ها این پاسخ را در فرهنگ جست‌وجو می‌کنند. آن‌ها سه الگو برای روابط اجتماعی انسان‌ها در نظر می‌گیرند، که این سه الگو عبارتند از: "فردگرایانه، سلسله‌مراتبی و مساوات‌طلبانه". از میان این الگوهای مطرح شده، مساوات‌طلبان کسانی هستند که از وضعیت محیط زیست نگرانند. آنان از این مسأله نتیجه می‌گیرند که «گزینش و معرفی ریسک برای جلب توجه مردم، کمتر به جدیت شواهد علمی یا احتمال خطر باز می‌گردد، بلکه کم‌وبیش متأثر از صدای کسانی است که در ارزیابی و پردازش اطلاعات مربوط به موضوعات ریسک‌آمیز، نقش غالب دارند» (هانیکان، ۱۳۹۲: ۱۷۶-۱۷۴)؛ همچنین خرابی و مشکلات زیست‌محیطی می‌تواند باعث تقویت شکاف‌های اجتماعی شده و باعث اشکال جدیدی از تعارضات قومی، مذهبی، طبقاتی و جز این‌ها را شود (عبدالعلی، ۱۳۸۴: ۲۰-۷).

این رویکرد به دلیل ترکیب افکار و ایده‌هایش از چند دیدگاه قدیمی «مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسی علم» در مطالعه و بررسی مسائل و مقولات زیست‌محیطی، کارآمد به نظر می‌رسد. چرا که مسائل زیست‌محیطی به مشاهده و فهم علمی نیاز دارند. برساخت‌گرایان بر این نظرند که باید از نزدیک به بررسی و تحلیل شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی‌ای پرداخت که به واسطه‌ی آن برخی شرایط زیست‌محیطی خاص خطرآفرین معرفی می‌شوند و در خلق «وضعیت بحران» سهیم‌اند. به عبارت دیگر برساخت‌گرایان به بررسی این مسأله می‌پردازند که چرا بعضی از مسائل زیست‌محیطی مهم و اورژانسی در نظر گرفته می‌شوند در حالی که مسائل دیگر جدی گرفته نمی‌شوند و مورد غفلت واقع می‌شوند. برساخت‌گرایان اجتماعی سعی در انکار اعتبار دغدغه‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی، کمبود انرژی و تکنولوژی‌های جدید ندارند، اما بر این امر اصرار دارند که وظیفه‌ی اصلی جامعه‌شناسان محیط زیست ثابت کردن این‌گونه مشکلات نیست بلکه این است که نشان دهند «این مشکلات حاصل فرآیند پویای اجتماعی مانند تعریف، مذاکره و مشروع‌سازی هستند. به‌طور خلاصه می‌توان بیان داشت که آن‌ها نیروهای قابل توجه طبیعت را انکار نمی‌کنند، بلکه می‌گویند میزان و روال این تأثیر بستگی به برساخت انسان دارد (فروتن‌کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۹۶-۹۵). بر همین اساس سه شاخص «ماهیت ادعاها، فرآیند ادعاسازی و ادعاسازان» را برای بررسی مسائل اجتماعی از این دیدگاه مطرح می‌کنند.

نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور و تمایل به مهاجرت

بر اساس نظریه اورت اس لی^۱ که به «تئوری عوامل دافعه و جاذبه» معروف می‌باشد، مهاجرت تحت تأثیر چهار عامل عمده اتفاق می‌افتد:

- ۱- عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و یا بازدارنده)
- ۲- عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و یا بازدارنده)
- ۳- عوامل موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد
- ۴- عوامل شخصی که به ویژگی‌های شخصی و روانی افراد مربوط است

که در این میان آلودگی محیط زیست از عوامل دافعه محسوب می‌گردد (قاسمی سیانی، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۴۵)؛ بنابراین به نظر می‌رسد نگرش به ریزگردها و بساخت افراد از این مسأله که تا چه حد می‌تواند مخاطره‌آفرین باشد، می‌تواند در تمایل به مهاجرت آن‌ها مؤثر باشد.

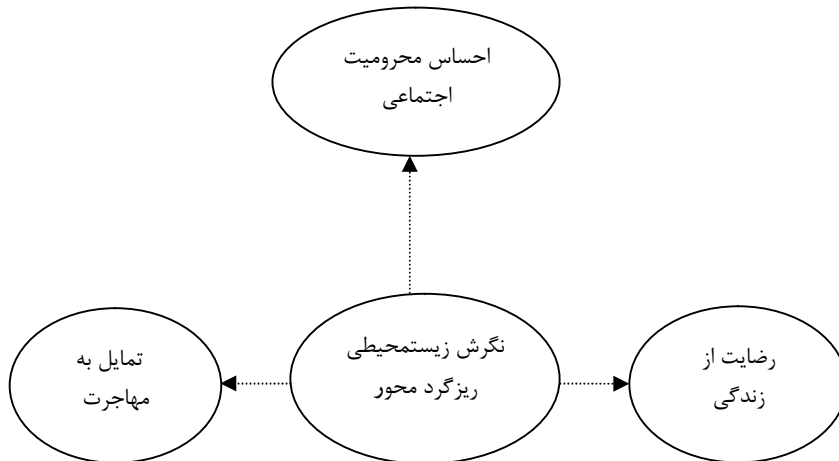
نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور و رضایت از زندگی

رضایت از زندگی به معنای بیانی کلی از احساسات و نگرش در مورد زندگی در یک دامنه‌ی مثبت تا منفی است. به عبارت دیگر رضایت از زندگی به مقایسه‌ی شرایط زندگی شخصی به آن معیاری که از نظر کنشگر مناسب و استاندارد باشد وابسته است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۲)؛ همچنین بر اساس نظریه‌ی بساخت‌گرایان باید از نزدیک به بررسی و تحلیل شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی‌ای پرداخت که به واسطه‌ی آن برخی شرایط زیست‌محیطی خاص خطرآفرین معرفی می‌شوند و در خلق «وضعیت بحران» سهیم‌اند. بساخت‌گرایان به بررسی این مسأله می‌پردازند که چرا بعضی از مسائل زیست‌محیطی مهم و اورژانسی در نظر گرفته می‌شوند در حالیکه مسائل دیگر جدی گرفته نمی‌شوند و مورد غفلت واقع می‌شوند (فروتن‌کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۹۶-۹۵). به عبارت دیگر بساخت‌گرایان شکل‌گیری نگرش افراد را در پرتو بساخت مسأله و موضوع از دید کنشگر مورد بررسی قرار می‌دهند. بر همین اساس می‌توان بیان داشت که چگونگی بساخت افراد نسبت به ریزگردها می‌تواند بر رضایت از زندگی افراد مؤثر باشد.

^۱ Evert. S. Lee

نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور و محرومیت اجتماعی

یک سری از فرضیات مربوط به محرومیت بیان می‌کنند که محروم بودن یک شخص، بیشتر مربوط به اصطلاحات مرتبط با توزیع، همانند درآمد پایین، پایین بودن استاندارد زندگی، موقعیت نامناسب استاندارد زندگی، موقعیت نامناسب مسکن، روابط اجتماعی ضعیف و ضعف در مشارکت اجتماعی است (رم، ۱۹۹۵: ۹-۱؛ به نقل از قیصریان). بر همین اساس چگونگی نگرش به ریزگردها می‌تواند در افراد احساس محرومیت اجتماعی (همانند پایین بودن استانداردهای زندگی و ...) ایجاد کند. شکل ۱ مدل نظری تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

به دلیل پیچیده بودن تأثیرات ریزگردها به شکل عام و تأثیرات اجتماعی آن به شکل خاص، اغلب پژوهش‌ها فقط به بررسی یک بعد از تأثیرات رفتار زیست‌محیطی و ریزگردها پرداختند و از بررسی همه‌جانبه‌ی آن غفلت کرده‌اند.

کرمی و همکاران (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای به بررسی "عوامل مؤثر بر استرس شهروندان تهرانی" پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشانگر آنست که در حوزه‌ی ساختار شهری

مشکلات مربوط به ترافیک و شلوغی، آلودگی‌های صوتی سطح شهر، آلودگی هوا و معطلی در صف، بیشترین شدت استرس‌زایی را دارند (کریمی و همکاران، ۱۳۸۴).

همچنین نتایج پژوهش اسماعیلی و جعفرنیا (۱۳۸۷)، کاهش رضایت ذهنی افراد از زندگی را در نتیجه‌ی افزایش آلودگی بیشتر هوا و آلودگی صوتی تأیید می‌کند (اسماعیلی و جعفرنیا، ۱۳۸۷).

بوچانی و فاضلی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای به بررسی "چالش‌های زیست‌محیطی و پیامدهای ناشی از آن ریزگردها و پیامدهای آن در غرب کشور ایران" پرداختند. یافته‌های این پژوهش تأثیر ریزگردها را بر سلامت و آسایش مردم، مهاجرت افراد بیمار، شهروندان عادی و نخبگان، اختلال در برنامه‌های روزمره‌ی شهروندان، افزایش افسردگی و ناامیدی و ... تأیید می‌کند (بوچانی و فاضلی، ۱۳۹۰).

تقوایی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی "ارزیابی تأثیر کیفیت محیط شهری بر روابط اجتماعی شهروندان" در محله‌ی آب‌کوه شهر مشهد پرداختند. یافته‌های این پژوهش فرضیه‌ی معنی‌داری میان ویژگی‌های کیفیت محیطی محلات و میزان روابط اجتماعی ساکنین آنها را مورد تأیید قرار می‌دهد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴-۴۳).

بنادکی و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی را با عنوان "ارزیابی اثرات اجتماعی، اقتصادی گردوغبار بر زندگی مردم، مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی شورک واقع در شهر میبد" انجام دادند. نتایج نشان داد با وجود مشکلاتی که گردوغبار بر سلامتی، کارهای روزمره، مهاجرت و حتی مسائل اقتصادی مردم دارد اما بیشتر مردم بر جنبه‌های مثبت کویر از قبیل جذب توریست و گردشگری، اشاره کرده و با این نگرش که کویر باعث پیدایش فقر در منطقه می‌شود مخالف هستند (بنادکی و همکاران، ۱۳۹۲).

نتایج پژوهش فرزانه پی و همکاران (۱۳۹۴)، نشان داد که بیشترین اثرات را گردوغبار روی کاهش تولیدات کشاورزی، افزایش بیماری‌های تنفسی و هزینه‌های درمانی ناشی از آنها داشته است و کمترین اثرات مربوط به کاهش مهاجرت بود (فرزانه پی و همکاران، ۱۳۹۴).

در اکثر تحقیقات انجام شده به شکل مستقیم به تأثیرات اجتماعی ریزگردها پرداخته نشده است و اغلب بررسی پیامدهای اجتماعی رفتارهای زیست‌محیطی مورد توجه بوده است؛ همچنین پژوهش‌هایی که به ریزگردها پرداخته‌اند، بیشتر توسط محققان زیست‌محیطی بوده است و کمتر با نگاه جامعه‌شناختی بوده است. همچنین پژوهش‌هایی که در چند سال اخیر به ریزگردها پرداخته‌اند نسبت به گذشته بیشتر شده‌اند. ولی این

پژوهش‌ها بیشتر به توصیف این پدیده و بررسی آن از نگاه محیط زیستی پرداخته‌اند. فلذا به نظر می‌رسد موضوع پژوهش حاضر، بسیار بکر و جدید محسوب می‌شود.

ب) تحقیقات خارجی

ولش^۱ (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای با عنوان " محیط زیست و شادی: ارزیابی آلودگی هوا با استفاده از داده‌ی رضایت از زندگی " به بررسی رابطه‌ی بین آلودگی و بهزیستی ذهنی (شادی) در ده کشور اروپایی پرداخته است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که آلودگی هوا نقش آماری معنی‌دار به‌عنوان پیش‌بینی بین کشوری و تفاوت بین زمانی در بهزیستی ذهنی ایفا می‌کند.

در پژوهش دیگری، ولش (۲۰۰۷)، به بررسی تجزیه و تحلیل رفاه محیط زیست: با استفاده از روش رضایت از زندگی (چگونه به‌زیستی ذهنی رضایت از زندگی، "شادی" با درآمد از یک سو و کیفیت محیط زیست از سوی دیگر) به تجزیه و تحلیل جامع گسترش رفاه با برآورد مزایای پولی کاهش آلودگی هوا و همچنین هزینه‌های مرتبط با آن پرداخته است.

ناس^۲ و همکاران (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان "آلودگی هوا، محرومیت اجتماعی، مرگ و میر؛ رویکرد چند سطحی کورت" با استفاده از رویکرد چند سطحی به مطالعه‌ی متغیرهای ذکر شده پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که محرومیت اجتماعی در هر دو بعد فردی و محله‌ای با آلودگی هوا ارتباط دارد.

مدیسون^۳ و رهندز^۴ (۲۰۱۰)، در پژوهشی به بررسی "تأثیر آب و هوا بر رضایت از زندگی" در ۸۷ کشور پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان از پایین بودن رضایت از زندگی در کشورهایی با دمای بالا (تعداد زیادی از درجه‌ی ماه) دارد.

فریرا^۵ و همکاران (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای به بررسی "رضایت از زندگی و کیفیت هوا در اروپا" پرداختند. یافته‌های این پژوهش فرضیه‌ی تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ بدین صورت که کیفیت هوا (مانند غلظت SO_2) تأثیر منفی قوی‌ای بر رضایت از زندگی دارد.

¹ Welsch

² Næss

³ Maddison

⁴ Rehdanz

⁵ Ferreira

والدینگر^۱ (۲۰۱۵)، در یک مقاله‌ی مروری به بررسی "اثرات تغییرات آب و هوا در مهاجرت‌های داخلی و خارجی: پیامدها برای کشورهای در حال توسعه" پرداخته است. وی بیان می‌کند اثر تغییرات آب و هوایی در تصمیم‌گیری‌های منجر به مهاجرت بستگی به شرایط اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و نهادی دارد. اما شواهد تجربی نشان می‌دهد که مردم در کشورهای در حال توسعه به وسیله‌ی مهاجرت داخلی به تغییرات آب و هوایی واکنش نشان می‌دهند.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر تمایل به مهاجرت تأثیرگذار است.
- ۲- به نظر می‌رسد نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر رضایت از زندگی تأثیرگذار است.
- ۳- به نظر می‌رسد نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر احساس محرومیت اجتماعی تأثیرگذار است

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از دو روش استفاده شده است: ۱- روش اسنادی و کتابخانه‌ای: برای دستیابی به چهارچوب نظری و آگاهی از پیشینه و ادبیات پژوهش؛ ۲- روش پیمایشی: برای جمع‌آوری داده‌ها، طبقه‌بندی، توصیف، تحلیل و آزمون فرضیه‌ها. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ی استاندارد و پژوهشگر ساخته و مبتنی بر مقیاس لیکرت است که با که با مراجعه‌ی حضوری به نمونه صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش کلیه‌ی شهروندان اهواز در هشت منطقه‌ی شهری می‌باشد که بر اساس مراجعه به سایت مرکز آمار ایران بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۱۱۱۲۰۲۱ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع احتمالی و به روش طبقه‌ای متناسب با حجم است و برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. بر همین اساس حجم نمونه‌ی مورد مطالعه ۳۸۵ نفر شده است که بر اساس منطق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای سهم متناسب هر منطقه در کل جمعیت رعایت شد. این مقادیر در جدول زیر منعکس

^۱ Waldinger

شده است. همچنین در مرحله‌ی پیش‌آزمون غیر منطقی بودن برخی گویه‌ها، نوع سنجش آنان و کنترل سایر عوامل محل بر سنجش اصلاح گردید. در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده است. در جدول زیر مقدار آلفای متغیر مستقل و متغیرهای وابسته بیان شده است.

جدول ۱: آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	تعداد گویه	مقدار آلفا
۱	نگرش زیست‌محیطی ریزگرد محور	۱۳	٪۷۰
۲	تمایل به مهاجرت	۵	٪۸۱
۳	رضایت از زندگی	۷	٪۷۲
۴	مشارکت اجتماعی	۵	٪۸۱

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

تمایل به مهاجرت: مهاجرت از اصطلاحاتی است که علوم مختلف با توجه به نیازهای خود تعریف‌های مختلفی از آن ارائه دادند، در پژوهش حاضر، به چند تعریف از این دیدگاه اشاره می‌گردد. علم جمعیت‌شناسی «مهاجرت را در معنای عام، تغییر محل اقامت فرد از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر می‌داند»؛ همچنین لغت‌نامه‌ی جمعیت‌شناسی سازمان ملل تعریف زیر را از این اصطلاح ارائه داده است: شکلی از تحرک جغرافیایی یا ترک مکانی است که به دلیل عوامل دافعه در مبدأ و عوامل جاذبه در مقصد صورت بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد (زنجانی، ۱۳۷۶: ۲۱۲). به عبارت دیگر تمایل به مهاجرت به معنای تمایل بالقوه‌ی افراد به دلیل عوامل دافعه در مبدأ و عوامل جاذبه در مقصد تعریف می‌گردد. به منظور تعریف عملیاتی این متغیر از گویه‌های محقق ساخته زیر استفاده شده است: «احساس می‌کنم در یک شهر خوش آب و هوا راحت‌تر و بهتر زندگی می‌کنم، آلودگی هوای اهواز، شرایط زندگی کردن را در اینجا مشکل کرده است، به دلیل وجود ریزگردها به فکر مهاجرت از اینجا افتاده‌ام، اگر تمام شرایط مهاجرت (شغلی، خانوادگی و ...) فراهم گردد، به دلیل ریزگردها از اینجا خواهیم رفت، در صورت مهیا شدن شرایط و امکانات مهاجرت، از شهر اهواز به یک شهر مناسب‌تر برای زندگی مهاجرت خواهیم کرد».

^۱ Cronbach's Alpha

رضایت از زندگی: در معنای عام این مفهوم به معنای «احساس خرسندی کلی فرد از زندگی» تعریف شده است؛ همچنین در تعریف دیگری رونالد اینگلهارت رضایت فرد از کل زندگی را بازتاب مجموع رضایت وی در زمینه‌های گوناگون همچون درآمد، مسکن، شغل، فعالیت‌های فراغت، زندگی خانوادگی و مانند آنها می‌داند (قهрман، ۱۳۸۹: ۱۰۶-۸۱). در پژوهش حاضر برای متغیر رضایت از زندگی معرف‌های محقق ساخته زیر در نظر گرفته شده‌اند «تا چه حد ریزگردها توانسته‌اند بر کیفیت روابط خانوادگی‌تان تأثیرگذار باشند؟؛ تا چه حد ریزگردها توانسته‌اند بر کیفیت روابط اجتماعی‌تان تأثیرگذار باشند؟ در مقایسه با روزهای عادی تا چه حد تفریحات شما در روزهای گردوغباری اهواز کاهش پیدا کرده است؟ در هوای بدون گردوغبار کیفیت زندگی شما تا چه حد بهتر است؟؛ تا چه حد از بیرون رفتن در هوای اهواز رضایت دارید؟ تا چه حد از تفریحات خود در هوای اهواز احساس رضایت می‌کنید؟ تا چه حد از گشت و گذار در هوای اهواز احساس رضایت می‌کنید؟». شایان ذکر است که سعی بر آن بوده است که رضایت از زندگی در ارتباط با وجود ریزگردها سنجش شود و از گویه‌هایی استفاده شده است که به نظر می‌رسد تا حد زیادی از کنترل عوامل مزاحم در سنجش این متغیر در ارتباط با متغیر مستقل جلوگیری می‌کنند.

محرومیت اجتماعی: ماهیت نسبی محرومیت اجتماعی باعث شده است تا این مفهوم از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار بگیرد. تعریف محرومیت اجتماعی به‌عنوان یکی از اصطلاحات رایج در بحث نابرابری اجتماعی، تأکیدش بر توجه به ضعیف شدن احتمال و امکانات مشارکت در زندگی اجتماعی به صورت چند بعدی و مکانیکی است. در تعاریف دیگر، محرومیت اجتماعی، به ترکیب جنبه‌های ضعف در توزیع (مانند درآمد پایین، موقعیت نامناسب استاندارد زندگی، روابط اجتماعی ضعیف) و مشارکت افراد اشاره دارد (قبصریان و قاسمی، ۱۳۸۷)؛ همچنین روالیون^۱ از چهار نوع نگاه تحت عناوین «رویکردهای مفهومی سنجش رفاه (سطح زندگی)، رویکردهای بررسی الگوی مصرف و تغذیه، تعیین خط فقر و ارزیابی میزان شیوع فقر نام می‌برد». به منظور عملیاتی کردن این متغیر با استفاده از شاخص‌های استاتادارد محرومیت اجتماعی غفاری و تاج‌الدین (۱۳۸۴) گویه‌های زیر استفاده شده است:

«قانون برای همه یکسان است؛ در مقایسه با دیگران از شغل خود راضی هستم؛ در مقایسه با دیگران در برآوردن اهداف زندگی‌ام با مشکلاتی مالی مواجه هستم؛ در مقایسه با

^۱ Ravallion

دیگران از خانه‌ای که در آن ساکن هستیم رضایت داریم؛ در مقایسه با دیگران، حس می‌کنم از لحاظ حقوق شهروندی با افراد دیگر برابر نیستم؛ در مقایسه با دیگران از وضعیت درآمدی خود رضایت دارم».

نگرش زیست‌محیطی ریزگرد محور: منظور از نگرش زیست‌محیطی مجموعه نسبتاً پایداری از احساسات، باورها و آمادگی‌های رفتاری اشخاص، اندیشه‌ها و گروه‌ها در ارتباط با محیط زیست (با محوریت ریزگردها) است (صالحی عمران و آقا محمدی، ۱۳۸۷: ۱۱۷-۹۱)؛ همچنین نگرش زیست‌محیطی به عنوان احساس مثبت یا منفی درباره انجام کار تعریف شده است (نواح و فروتن، ۱۳۹۰)؛ همچنین ریزگرد عبارت است از، توده‌ای از ذرات جامد ریز غبار و گاه دود و ... است که در جو پخش شده و اغلب باعث کاهش میدان دید به کمتر از یک کیلومتر می‌شود و در شدیدترین حالت، غلظت ذرات معلق می‌تواند حتی به بیش از ۶۰۰۰ میلی‌گرم در هر متر مکعب هوا برسد (عسکری و فرهادی، ۱۳۹۴).

به منظور عملیاتی کردن نگاه شهروندان اهواز به ریزگردها (نگرش زیست‌محیطی ریزگرد محور) با اقتباس از شاخص‌های نگرش زیست‌محیطی صالحی و پازوکی (۱۳۹۳)، گویه‌های زیر توسط محقق ساخته شده‌اند: «مشکل ریزگردها با گذشت زمان برطرف خواهد شد؛ گردوغبار یک تهدید جدی برای سلامت افراد است؛ اقدامات مسئولین در مقابله با ریزگردها بسیار مؤثر بوده است؛ احساس می‌کنم موضوع ریزگردها برای مردم شهرم مهم شده است؛ من به شدت در ارتباط با مسأله‌ی ریزگردها احساس نگرانی می‌کنم؛ تعطیلی‌های ناشی از گردوغبار برای خودم و خانواده‌ام خوشایند نیست؛ ریزگردها بر بسیاری از جنبه‌های زندگی ما تأثیرگذار است؛ حفاظت از منطقه در مقابل ریزگردها بسیار اهمیت دارد؛ برای حفظ کیفیت بالای زندگی لازم است مشکل ریزگردها را به‌طور کامل حل کرد؛ با کمک متخصصان محیط زیست، می‌توان مشکلات گردوغبار را حل کرد، به نظر من در تهدید به حساب آوردن ریزگردها کمی اغراق شده است؛ دیدن گردوغبار در هوای اهواز من را بسیار نگران (ناراحت) می‌کند؛ ریزگردها به یکی از مشکلات اساسی مردم اهواز تبدیل شده است؛ بهتر است به جای توجه و هزینه‌ی زیاد به ریزگردها به حل مشکلات اساسی دیگر در اهواز پرداخت».

یافته‌های پژوهش

اطلاعات توصیفی متغیر مستقل و متغیرهای وابسته

اطلاعات توصیفی متغیر مستقل نشان از تبدیل شدن ریزگردها به عنوان یک معضل و بحران اساسی در میان شهروندان اهواز می‌باشد. به عبارت دیگر نگرش زیست محیطی ریزگردمحور بر اساس طیف لیکرت در ۱۴ گویه سنجیده شد، که پس از کدگذاری داده‌ها عدد ۱۴ نگرش مثبت یا دغدغه نبودن و عدد ۷۰ نگرش منفی یا دغدغه بودن این مسأله را در میان شهروندان اهواز نشان می‌دهد. در این میان میانگین این متغیر در میان پاسخگویان ۶۳/۷۴ بوده است که نشان دهنده نگرش مردم اهواز به موضوع ریزگردها به عنوان یک دغدغه بسیار اساسی می‌باشد. از این نظر می‌توان بیان داشت که سنجش دغدغه‌ای که پژوهش حاضر به دنبال آن بوده است، در جامعه‌ی مورد بررسی در حد بالایی وجود دارد و مردم اهواز نگرش دغدغه محور بسیاری نسبت به مسأله‌ی ریزگردها دارند. همچنین کمترین و بیشترین نمره‌ی پاسخگویان به این متغیر به ترتیب عبارت از ۴۶ و ۷۰ با واریانس ۲۳/۷۳ و انحراف استاندارد ۴/۸۵ است که تأییدکننده وجود دغدغه‌ی مشکلات زیست محیطی با تأکید بر ریزگردها در نمونه‌ی آماری پژوهش حاضر است. اطلاعات توصیفی متغیرهای تحقیق در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲: اطلاعات توصیفی متغیر مستقل و متغیرهای وابسته

تعداد گویه	بیشترین	کمترین	واریانس	انحراف معیار	میانگین	شاخص متغیر
۱۴	۷۰	۴۶	۲۳/۵۳	۴/۸۵	۶۳/۷۴	نگرش زیست محیطی ریزگردمحور
۵	۲۵	۷	۱۱/۹۴	۳/۴۵	۲۱/۸۶	تمایل به مهاجرت
۷	۲۶	۷	۱۵/۲۲	۳/۹۰	۱۲/۸۷	رضایت از زندگی
۶	۲۲	۸	۲۲/۰۲	۴/۶۹	۲۰/۶۲	محرومیت اجتماعی
۵	۲۵	۵	۲۲/۱۱	۴/۷۰	۱۵/۵۲	مشارکت اجتماعی
۱۷	۵۷	۱۷	۷۸/۶۷	۸/۸۶	۳۶/۴۱	اعتماد اجتماعی

نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ی نخست: به نظر می‌رسد نگرش زیست محیطی ریزگردمحور بر تمایل به مهاجرت تأثیرگذار است.

برای تحلیل این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. این فرضیه با توجه به مقدار $r=0/387$ و $sig=0/000$ در جدول ۴ تأیید می‌گردد و بنابراین می‌توان ادعا کرد میان دو متغیر نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر تمایل به مهاجرت رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر رضایت از زندگی تأثیرگذار است.

برای تحلیل این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. این فرضیه با توجه به مقدار $r=-0/480$ و $sig=0/000$ در جدول ۴ تأیید می‌گردد. بنابراین می‌توان ادعا کرد میان دو متغیر نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور و رضایت از زندگی رابطه‌ی معکوس معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر احساس محرومیت اجتماعی تأثیرگذار است.

برای تحلیل این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. این فرضیه با توجه به مقدار $r=0/189$ و $sig=0/000$ در جدول ۴ تأیید می‌گردد. بنابراین می‌توان ادعا کرد میان دو متغیر نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور و احساس محرومیت اجتماعی رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج ضرایب همبستگی میان نگرش زیست‌محیطی ریزگرد محور با متغیرهای وابسته

پژوهش

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
تمایل به مهاجرت	۰/۳۸۷	۰/۰۰۰
رضایت از زندگی	-۰/۴۸۰	۰/۰۰۰
محرومیت اجتماعی	۰/۱۸۹	۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

مسأله‌ی اصلی این تحقیق بررسی تأثیر نگرش زیست‌محیطی بر برخی از متغیرهای جامعه‌شناختی بود. در قسمت قبل نتایج فرضیات ارائه گردید و در این قسمت به توضیح کامل‌تر پیرامون نتیجه‌ی هر فرضیه پرداخته می‌شود.

بررسی تأثیر نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر تمایل به مهاجرت به‌عنوان اولین فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه‌ی ما این بود که به نظر می‌رسد نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر تمایل به مهاجرت تأثیر دارد. نتایج حاکی از تأیید این فرضیه دارد و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت با افزایش نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور، تمایل به مهاجرت افزایش می‌یابد و با کاهش نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور، تمایل به مهاجرت کاهش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های کنگره‌ی بین‌المللی تخصصی علوم زمین (۱۳۹۴)، بوچانی و فاضلی (۱۳۹۰) و والدینگر (۲۰۱۵)، همخوانی دارد. همچنین این نتیجه با تلفیق پیشینه‌ی نظری برساخت‌گرایی اجتماعی زیست‌محیطی و نظریه‌ی عوامل جاذبه و دافعه‌ی اورت اس لی همخوانی دارد. به بیانی دیگر برساخت افراد از وجود ریزگردها به‌عنوان یک بحران و عامل دافعه در مبداء، باعث شکل‌گیری تمایل آن‌ها به مهاجرت شده است. بنابراین می‌توان بیان داشت که تلفیق برساخت‌گرایی و عوامل دافعه توانایی تبیین ارتباط میان این دو متغیر را نشان داده است.

همچنین تأثیر نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر رضایت از زندگی مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه‌ی دوم این پژوهش عبارت بود از: به نظر می‌رسد نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر رضایت از زندگی تأثیر دارد. نتایج حاکی از تأیید این فرضیه دارد و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت با افزایش نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور، رضایت از زندگی کاهش می‌یابد و با کاهش نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور، رضایت از زندگی افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های کرمی و همکاران (۱۳۸۴)، اسماعیلی و جعفرنیا (۱۳۸۷)، بوچانی و فاضلی (۱۳۹۰)، فرهمند و همکاران (۱۳۹۲)، ولش (۲۰۰۶) و (۲۰۰۷)، فریرا و همکاران (۲۰۱۳) و مدیسون و رهاندز (۲۰۱۰) همخوانی دارد. همان‌گونه که در چهارچوب نظری تحقیق بیان شد برساخت‌گرایان شکل‌گیری نگرش افراد را در پرتو برساخت مسأله و موضوع، از دید کنشگر مورد بررسی قرار می‌دهند. بر اساس اطلاعات به

دست آمده در توصیف متغیرهای تحقیق مشخص گردید که نگرش شهروندان اهواز نسبت به معضل بودن وجود ریزگردها در حد بالایی قرار داشت، همچنین بر اساس اطلاعات توصیفی مشخص شد که میزان رضایت از زندگی شهروندان در حد پایینی قرار دارد. بنابراین بر اساس اطلاعات توصیفی و نتیجه‌ی آزمون همبستگی میان دو متغیر نگرش و رضایت از زندگی افراد می‌توان بیان داشت که پیشینه نظری پژوهش توانایی تبیین ارتباط میان این دو متغیر را به درستی داشت. به عبارت ساده‌تر به نظر می‌رسد بر ساخت افراد نسبت به ریزگردها باعث کاهش رضایت از زندگی در میان آن‌ها گردید.

فرضیه‌ی سوم این پژوهش عبارت بود از، به نظر می‌رسد نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور بر احساس محرومیت اجتماعی تأثیر دارد. نتایج حاکی از تأیید این فرضیه دارد و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت با افزایش نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور، احساس محرومیت اجتماعی افزایش می‌یابد و با کاهش نگرش زیست‌محیطی ریزگردمحور، احساس محرومیت اجتماعی کاهش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های تقوایی و همکاران (۱۳۹۱) و ناس و همکاران (۲۰۰۷)، همخوانی دارد. همان‌گونه که ذکر شد احساس محرومیت کردن با مواردی همانند درآمد پایین، پایین بودن و موقعیت نامناسب استاندارد زندگی و ... مشخص می‌شود. بر همین اساس می‌توان بیان داشت ریزگردها بر نگرش پاسخگویان نسبت به پایین بودن استانداردهای زندگی، شرایط نامناسب موجود و اینکه این مشکل باعث شده است که آن‌ها از برخی از حقوق اجتماعی‌شان محروم بمانند، باعث شکل‌گیری احساس محرومیت اجتماعی در میان آنان گردید.

پیشنهادات پژوهش

همان‌گونه که بر اساس اطلاعات توصیفی و نتایج همبستگی میان فرضیات مشخص گردید، نگرش مردم حاکی از مخاطره‌آمیز و دغدغه‌ی بودن وجود ریزگردها در شهر اهواز می‌باشد. این مسئله باعث تمایل بالایی نسبت به مهاجرت، کاهش رضایت از زندگی و احساس محرومیت اجتماعی در میان شهروندان اهواز گردیده است. این مسأله به شکل مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند بر سایر جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی افراد تأثیرگذار باشد. فلذا توجه به ریزگردها و تغییر نگرش مردم در ارتباط با این بحران زیست‌محیطی

اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. فلذا به نظر می‌رسد تا زمانی که مشکل ریزگردها برطرف نشود، یا به عبارت دیگر نگرش مردم به این دغدغه تغییر پیدا نکند باید انتظار چنین پیامدهایی را در سطح شهر اهواز داشت.

فلذا بر اساس نظر پژوهشگر در دو زمینه اقدامات جدی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد: الف) تغییر نگرش مردم به ریزگردها؛ ب) اقدامات مسئولین زیست‌محیطی و سایر نهادهای مرتبط با این پدیده. از آنجایی که تغییر در نگرش به خودی خود صورت نمی‌گیرد، اهمیت اقدامات مؤثر مسئولین این حوزه لازم به نظر می‌رسد. بنابراین مقابله با ریزگردها نیاز به تلاش جدی و همفکری مسئولان استانی و ملی دارد. همچنین به منظور تغییر در نگرش مردم نیاز به ایجاد یک عزم عمومی برای مقابله با عوارض ریزگردها می‌باشد. در این میان رسانه‌ها نقش پررنگی در ایجاد این فرهنگ عمومی می‌توانند ایفا کنند. به همین دلیل با شناسایی وضع گذشته، حال و پیش‌بینی وضع آینده، ایجاد زیرساخت‌های لازم و توجه جدی به فرهنگ‌سازی می‌توان به نوعی مقدمات اصلاح نگرش به ریزگردها را فراهم آورد. بنابراین توجه بیشتر به نقش رسانه‌های جمعی در فرهنگ‌سازی عمومی به منظور عزم همگانی مردم این منطقه، برای مقابله با این پدیده اهمیتی اساسی می‌یابد. این مهم می‌تواند با همکاری مسئولین محیط زیستی در انعکاس اقدامات انجام شده، انعکاس تلاش‌هایی که قرار است در برنامه‌های محافظت از منطقه در مقابل ریزگردها صورت بگیرد (مانند اجرای طرح‌های بلندمدت درخت‌کاری و استفاده از پوشش‌های گیاهی بومی مناسب، افزایش فضاهای سبز شهری، مالچ‌پاشی طبیعی در مناطق بیابانی و مستعد تولید گرد و غبار)، چిستی خود ریزگردها، منشأ ورود ریزگردها، نقشی که مردم می‌توانند در این زمینه ایفا کنند، دعوت همگانی از مردم برای کمک کردن در مقابله با ریزگردها و ... انجام پذیرد.

همچنین بنا بر گفته متخصصان محیط زیستی تشکیل ریزگردها ارتباط مستقیمی با مدیریت آب در منطقه دارد. از این جهت مدیریت صحیح در مواجهه با موضوع آب در اهواز ارتباط زیادی با نگرش مردم به ریزگردها پیدا می‌کند. در این زمینه مسئولین با اتخاذ تصمیمات صحیح می‌توانند نگرشی مثبت را در جامعه ایجاد کنند که سازمان‌های مرتبط با محیط زیست در زمینه‌ی ریزگردها تلاش خود انجام می‌دهند و به فکر محیط زندگی

خود و مردم منطقه هستند. همچنین مدیریت صحیح و برخورد مناسب با وضعیت تالاب‌های خشک شده می‌تواند بر تغییر نگرش مردم تأثیرگذار باشد.

از سوی دیگر ضرورت اقدامات پیشگیرانه در ارتباط با وقوع ریزگردها از شدت آن خواهد کاست. به نظر می‌رسد در این زمینه اجرای مطالعات پژوهشی و کاربردی و استفاده از نظرات و تجربیات متخصصین داخلی و بین‌المللی در نشست‌ها و جلسات مرتبط کمک‌کننده خواهد بود.

فهرست منابع:

- اسماعیلی، عبدالکریم و جعفرنیا، مریم (۱۳۸۷). "بررسی ار کیفیت زیست محیطی بر رضایت از زندگی در شهر شیراز"، هفتمین همایش ملی دوسالانه‌ی انجمن متخصصان محیط زیست ایران.
- بوچانی، محمدحسین و فاضلی، داریوش (۱۳۹۰). "چالش‌های زیست محیطی و پیامدهای ناشی از آن ریزگردها و پیامدهای آن در غرب کشور ایران"، فصلنامه‌ی رهنامه‌ی سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره‌ی سوم.
- بورقانی فراهانی، سهیلا؛ فرهنگی، علی‌اکبر و مشهدی، سحر (۱۳۹۲). "تحلیل شاخص‌های مؤثر بر توسعه‌ی صنعت گردشگری روستایی (پیمایشی پیرامون روستای گرمه)"، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱.
- تقوایی، علی‌اکبر؛ معروفی، سکینه و پهلوان، سمیه (۱۳۹۱). "ارزیابی تأثیر کیفیت محیط شهری بر روابط اجتماعی شهروندان"، نقش جهان، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۱.
- تقوایی، مسعود و شفیع، پروین (۱۳۹۰). "بررسی و ارزیابی مسائل جمعیتی شهرستان اردستان"، نشریه‌ی سپهر (سازمان جغرافیایی)، سال بیستم، شماره‌ی ۷۷.
- جعفری اقدم، مریم؛ مقدم، محمد و مطهری، سعید (۱۳۹۱). تحلیل مفهوم محیط زیست و ارزیابی جایگاه آن در قوانین و مقررات مدیریت شهری ایران، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست.
- دهقان بنادکی، سعید؛ زارع ارنانی، محمد؛ خجسته، مژده و صباغزاده، سحر (۱۳۹۲). "ارزیابی اثرات اجتماعی، اقتصادی گردوغبار بر زندگی مردم (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی شورک واقع در شهر میبد)"، سومین همایش ملی فرسایش بادی و طوفان‌های گردوغبار یزد، دانشگاه یزد.
- رئیس‌پور، کوهزاد؛ خسروی، محمود؛ طاووسی، تقی و شریفی‌کیا، محمد (۱۳۹۲). "بررسی نقش سیستم‌های کم‌فشار بریده شده در شکل‌گیری گردوغبارهای فراگیر جنوب غرب ایران"، نخستین کنفرانس ملی آب و هواشناسی ایران.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۶). "تحلیل جمعیت‌شناختی"، تهران، سمت.
- ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۲). "درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست"، ترجمه‌ی صادق صالحی، سمت.

شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۲). "تحلیلی بر میزان رضایت‌مندی شهروندان از پایداری و سرزندگی محیط زیست شهری با تأکید بر دسترسی به خدمات شهری (نمونه‌ی موردی: شهر نورآباد ممسنی)"، فصلنامه‌ی مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره‌ی چهارم. صالحی، صادق و پازکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳). "محیط زیست در آموزش عالی: ارزیابی دانش زیست‌محیطی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی مازندران"، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴. صالحی عمران، ابراهیم و آقامحمدی، علی (۱۳۸۷). "بررسی دانش، نگرش و مهارت‌های زیست‌محیطی معلمان آموزش دوره‌ی ابتدایی استان مازندران"، فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۳ (مسلسل ۹۵).

طیفوری وحید؛ نوروزی، مهرداد و صادق اکبری، فیروز (۱۳۹۲). "بررسی شاخص‌ها، علل و جریان‌های مهاجرت داخلی ایران ۱۳۹۰-۱۳۷۵» با تأکید بر استان گیلان"، ارائه شده در همایش تحلیل یافته‌های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، ۵ و ۶ آذر. عبدالعلی، قوام (۱۳۸۴). "سیاست بین‌المللی و رویکرد زیست‌محیطی"، مجله‌ی پژوهش حقوق و سیاست، بهار و تابستان، شماره‌ی ۱۴.

عسکری، محمدحسن و فرهادی، سعید (۱۳۹۴). شناسایی منابع گرد و غبار و پیامدهای اجتماعی - اقتصادی آن، اولین کنفرانس بین‌المللی گردوغبار، ۱۲ تا ۱۴ اسفند ۹۴، دانشگاه شهید چمران اهواز.

غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۴). "شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۷.

فرزانه‌پی، فاطمه؛ علی‌پور، ناهید؛ مصباح‌زاده، طیبه و اسلامیان، زهرا (۱۳۹۴). ارزیابی گردوغبار با تأکید بر اثرات اقتصادی و اجتماعی (روستاهای کله‌دره و جهان‌آباد کرج)، کارگاه‌های آموزشی و سی و چهارمین گردهمایی و دومین کنگره‌ی بین‌المللی تخصصی علوم زمین، ایران، تهران.

فرهمنند، مهناز؛ شکوهی‌فرد، کاوه و سیارخلج، حامد (۱۳۹۲). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی مورد مطالعه: شهروندان شهر یزد" دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۰. فروتن‌کیا، شهرزاد و نواح، عبدالرضا (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی محیط زیست، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

فولادیان، احمد و آماده شهن‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۴). پویه‌شناسی آلاینده‌های محیطی با تأکید بر پدیده‌ی ریزگردها، همراه با پیامدهای مخرب اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی آن

به منزله‌ی تهدیدی بر سلامت انسان در ایران، کنفرانس عمومی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی.

قاسمی سیانی، محمد (۱۳۸۶). "پیامدهای مهاجرت روستا - شهری نسل جوان روستایی"، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره‌ی دوم.

قهرمان، آرش (۱۳۸۹). "بررسی مفهوم رضایت از زندگی و سنجش آن در میان دانشجویان دختر و پسر"، دو فصلنامه‌ی تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره‌ی چهارم.

کریمی، فاطمه؛ دغاغله، عقیل و حیدری زهراپور، معصومه (۱۳۸۴). "بررسی عوامل مؤثر بر استرس شهروندان تهرانی"، با حمایت مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، مجله‌ی تحقیقات علوم اجتماعی ایران.

مقدم، محمد (۱۳۹۱). تحلیل مفهوم محیط زیست و ارزیابی جایگاه آن در قوانین و مقررات مدیریت شهری ایران، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست.

میراجاق، سید حسین (۱۳۸۴). "آلودگی هوا و اثرات آن بر بارداری جنین، تولید مثل و جنسیت، همایش آلودگی هوا و اثرات آن بر سلامت"، مؤسسه‌ی مطالعاتی زیست محیط پاک، تهران.

نواح، عبدالرضا و فروتن‌کیا، شهروز (۱۳۹۰). "بررسی رابطه‌ی بین کنش عقلانی و رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: جامعه‌ی شهری اندیمشک)"، فصلنامه‌ی محیط زیست، شماره‌ی ۵۱.

هانیکان جان (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه‌ی موسی عنبری، انور محمدی و میلاد رستمی، انتشارات دانشگاه تهران.

Ferreira, S. (2013). "Life satisfaction and air quality in Europe", *Ecological Economics* 88, P. 1–10

Maddison, D. and Rehdanz, K. (2010). "The Impact of Climate on Life Satisfaction", *Kiel Working Paper No. 1658 | November 2010*.

Oyvind, N. and et. al. (2007). "Air pollution, social deprivation, mortality A Multilevel cohort study", *Epidemiology*, Volume 18, number 6.

Waldinger, M (2015). "The effects of climate change on internal and international migration: implications for developing countries", *Centre for Climate Change Economics and Policy*

Working Paper No. 217 Grantham Research Institute on Climate Change and the Environment. Working Paper No. 192.

Welsch, H. (2006). "Environment and happiness: Valuation of air pollution using life satisfaction data, *Ecological Economics*", Volume 58, Issue 4, P. 801–813.

Welsch, H. (2007). "Environmental welfare analysis: A life satisfaction approach, *Ecological Economics*", Volume 62, Issues 3–4, P. 544–551.